

بررسی نگرش اعضای هیأت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز درباره‌ی مخزن دانش سازمانی این دانشگاه^۱

فاطمه بناری*

کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، bonari69@gmail.com

عبدالحسین فرج پهلوی

دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی گرایش مدیریت کتابخانه‌های دانشگاهی

استاد گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، farajpahlou@gmail.com

پذیرش: ۹۵/۱۱/۱۲

دریافت: ۹۵/۰۶/۲۲

فصلنامه علمی پژوهشی
پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران
شاپا(چاپی) ۲۲۵۱-۸۲۲۳
شاپا(الکترونیکی) ۲۲۵۱-۸۲۳۱
نمایه در SCOPUS و ISC
http://jst.irandoc.ac.ir
دوره XX | شماره X | صص XX-XX
۱۳XX X

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:

دورن متن:

، زودآیند (بناری)،

در فهرست منابع:

بناری، فاطمه. زودآیند. بررسی نگرش اعضای
هیأت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز درباره‌ی
مخزن دانش سازمانی این دانشگاه پژوهشنامه
پردازش و مدیریت اطلاعات.

(دسترسی در Jipm.irandoc.ac.ir)

روزنامه/سال)

چکیده: هدف این پژوهش شناسایی وضعیت استفاده‌ی اعضای هیأت علمی از مخزن دانش پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز به عنوان بخشی از مخزن دانش سازمانی این دانشگاه، شناسایی مشکلات این سامانه و ارائه راهکار برای ارتقای آن می‌باشد. این پژوهش از نوع کاربردی بود که با روش پیمایشی و به صورت مطالعه موردی انجام گرفت. برای گردآوری اطلاعات درباره‌ی دیدگاه کارشناسان و اعضای هیأت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز به ترتیب از مصاحبه و پرسشنامه^۱ استفاده شد. مصاحبه از همه کارشناسان دست‌اندرکار به عمل آمد و پرسشنامه بین جامعه نمونه که به روش نمونه‌گیری تصادفی- طبقه‌ای انتخاب شد، توزیع گردید. یافته‌ها بیانگر این بود که اعضای هیأت علمی کم و بیش نگرش مثبتی نسبت به سامانه موجود و واگذاری آثارشان به آن دارند و وجود چنین سامانه‌ای را مفید و ضروری می‌دانند. علیرغم اذعان به وجود مشکلات، تقریباً همه اعضای از سامانه استفاده می‌کنند ولی باید در نظر داشت که با افزایش آشنایی اعضای نسبت به سامانه، میزان مشارکت آنان نیز افزایش خواهد یافت. بنابراین، نیاز به اطلاع‌رسانی پیرامون سامانه و برگزاری دوره‌ای و منظم کارگاه‌های آموزشی با کیفیت، احساس می‌شود. توجه به مشکلات سامانه و راهکارهای ارائه شده توسط کاربران جهت بهبود وضعیت آن به ارتقاء و پیشرفت مخزن دانش پژوهشی این دانشگاه کمک می‌کند. با بهبود هر چه بیشتر این سامانه می‌توان امیدوار بود که بخش مهمی از زیرساخت لازم برای پیاده‌سازی مدیریت دانش در دانشگاه شهید چمران اهواز فراهم شود.

کلیدواژه‌ها: دانش، مدیریت دانش، مخزن دانش پژوهشی، سامانه‌ی مدیریت اطلاعات پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز.

۱. مقدمه

۱. برگرفته از پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد

عصر حاضر، عصر اطلاعات و ارتباطات است. لازمه مدیریت سازمان‌های این عصر، مدیریت بر یکی از مهم‌ترین دارایی‌های سازمان یعنی دانش است. دانش مخلوط سیالی از تجارب، ارزش‌ها، اطلاعات موجود و نگرش‌هایی است که چارچوبی برای ارزشیابی و به کارگیری تجارب و اطلاعات جدید به دست می‌دهد (زنجیرچی و ربانی ۱۳۸۵).

به دلیل افزایش اهمیت دانش در سازمان‌ها، مقوله مدیریت دانش به عنوان یک مبحث مهم وارد سازمان‌های امروزی گردیده است. مدیریت دانش فرایندی است که به سازمان‌ها کمک می‌کند تا اطلاعات و مهارت‌های مهمی را که بخشی از حافظه‌ی سازمانی محسوب می‌شوند و به طور معمول به صورت سازماندهی نشده وجود دارند، شناسایی، انتخاب، سازماندهی و منتشر نمایند (جهاندیده و روهنده ۱۳۹۳). هدف مدیریت دانش در سازمان‌ها شناسایی و پیگیری دانش جمعی سازمان برای رسیدن به اهداف و مقاصد سازمانی و کمک به سازمان‌ها برای رقابت در عرصه‌ی جهانی و باقی ماندن در آن است.

بخشی از اطلاعات و دانشی که دانشمندان تولید می‌کنند توسط ناشران تجاری منتشر می‌شود و بخشی دیگر، مانند آنچه در دانشگاه تولید می‌شود، اغلب بدون سازماندهی و غیر قابل دسترس در سازمان‌ها پراکنده است. لذا چنانچه قرار باشد اصول مدیریت دانش بر دانشگاه حاکم باشد، ضروریست در دانشگاه‌ها بستری برای دسترسی به این دانش تولید شده فراهم شود تا حاصل تلاش علمی و پژوهشی اعضای هیأت علمی در سطح ملی و بین‌المللی دیده شود. مخازن دانش سازمانی بستری را جهت دسترسی به دانش تولید شده ایجاد می‌کنند تا از این طریق حاصل تلاش افراد بهتر دیده شود و مورد استفاده قرار گیرد.

همانطور که (Aguillo et al. 2010) اظهار می‌دارند، در حال حاضر قریب یک دهه است که کمتر دانشگاه معتبری در سطح جهان را می‌توان یافت که دارای مخزن دانش سازمانی جهت اشاعه‌ی آثار و برون‌دادهای علمی خود نباشد. اهمیت این مخازن تا اندازه‌ای است که رتبه بندی خاصی نیز برای دانشگاه‌ها بر پایه‌ی مخازن سازمانی توسط وبومتریکس^۱ ایجاد شده است (Aguillo et al. 2010). در این راستا دانشگاه شهید چمران اهواز نیز اقدام به طراحی سامانه‌ای برای گردآوری و سازماندهی اطلاعات علمی تولید شده توسط اعضای هیأت علمی خود کرده است. دانشگاه شهید چمران اهواز به پیشنهاد معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه در سال ۱۳۸۶ اقدام به راه‌اندازی سامانه‌ای نمود که با نام سامانه مدیریت اطلاعات پژوهشی یا RMS^۲ توسط شرکت داده‌پردازان آینده زمین، طراحی و به عنوان بستری جهت ضبط اطلاعات پژوهشی در نظر گرفته شد. هر چند که این دانشگاه از سالیان دور چنین سامانه‌ای را به شکل ابتدایی و با استفاده از نرم‌افزار اکسس و به صورت تک کاربره در اختیار داشته، ولی از سال ۱۳۸۶ این سامانه ارتقا پیدا کرد و تحت وب در آمد. اعضای هیأت علمی جهت برخورداری از خدمات پژوهشی، امتیاز لازم را از طریق تولیدات علمی خود کسب می‌کنند. بر اساس سیاست‌گذاری انجام شده،

-
- 1 . Webometrics: <http://repositories.webometrics.info>
 - 2 . Research management system

در صورتی که آثار آن‌ها به سامانه وارد شود، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و امتیاز لازم به آن اختصاص می‌یابد. بنابراین، این مخزن بستری برای سازماندهی اطلاعات علمی و پژوهشی اعضای هیأت علمی به شمار می‌آید. از آنجا که کاربران نقش تعیین‌کننده‌ای در استفاده از سامانه‌های اطلاعاتی دارند، بازخورد آن‌ها می‌تواند اطلاعاتی غنی و مبتنی بر واقعیت برای رفع مشکلات و کاربرمدار شدن این سامانه‌ها ارائه دهد.

۲. پیشینه پژوهش

در جهان پژوهش‌های کاربرمدار زیادی در زمینه‌ی مخازن دانش سازمانی به انجام رسیده است. آنچه در این بخش می‌آید مروری بر پژوهش‌های انجام شده در داخل و خارج از کشور است.

(Ferreira et al. 2008) فرایند اجرای مخزن سازمانی در دانشگاه مینهو در پرتغال را از ابتدا تا اتمام کامل طرح بررسی کردند. آن‌ها نرم افزار DSpace را بر اساس برخی معیارهایی نظیر معماری نرم افزاری مفید، استفاده از جدیدترین فناوری‌ها و رابط کاربر گرافیکی مناسب و آسان انتخاب کردند. آن‌ها همچنین وجود فعالیت‌هایی چون طرح ترویجی مناسب (شامل گفتگوهای درون بخشی و درون سازمانی فراوان، آگهی‌های متعدد، تماس مستقیم با مدیران گروه‌ها، سمینارهای آموزشی)، ایجاد خدمات ارزش افزوده برای مولفان (نظیر کنکاش در آثارهای بارگذاری، ایجاد صفحات وبی مخصوص پژوهشگران، گزارش‌ها) و تعریف خط‌مشی الزامی خودآرشیوی (استفاده از مشوق‌های مالی همراه با جوایزی برای افراد دارای بیشترین واگذاری آثار، که باعث استقبال افراد در واگذاری آثارشان می‌شود) را در برنامه راهبردی مخزن لازم دانستند.

(Yakel et al. 2009) به بررسی عوامل موفقیت مخازن سازمانی پرداختند. آن‌ها با استفاده از مطالعه تطبیقی (مقایسه‌ای) و بر اساس مستندات، خط‌مشی‌ها و دیگر منابع مرتبط مخازن سازمانی پنج دانشگاه پژوهشی را مورد بررسی قرار دادند و عوامل موفقیت این مخازن را به دو دسته‌ی درونی و بیرونی تقسیم کردند. به این منظور با افراد مشارکت‌کننده در مخزن سازمانی هر دانشگاه (مدیر مخزن سازمانی، کتابدار دانشگاه، مسئولان و مدیران کتابخانه‌ها و کارکنان فناوری اطلاعات) انجام شد. تحلیل‌ها برپایه‌ی مصاحبه‌هایی که ضبط و پیاده شده بودند به همراه تحلیل محتوای منابع نوشته شده درباره مخزن سازمانی انجام گرفت. آن‌ها عوامل درونی برای موفقیت را شامل گردآوری محتوا و خدمات ارائه شده به وسیله مخزن سازمانی دانستند. در گردآوری محتوا، ساخت صفحات خاص اعضای هیأت علمی، مذاکره با ناشران برای گردآوری آثار این افراد و متقاعد کردن پژوهشگران کلیدی برای شرکت در مخزن سازمانی جزء مهم‌ترین عوامل بودند. در زمینه خدمات نیز می‌توان به مواردی چون افزایش بازیابی تمام متن، نگهداری طولانی مدت، استفاده زیاد و بهبود رتبه مقاله اشاره کرد. از عوامل بیرونی می‌توان به نقش کتابخانه در ارتباط علمی در فضای دانشگاه و قرار گرفتن کتابداران و کتابخانه در جریان ارتباط علمی نام برد.

(Abrizah et al. 2010) پژوهشی با هدف شناسایی عملکرد دانشگاه‌های برتر آسیایی در آرشیو و به اشتراک-گذاری خروجی پژوهشی خود از طریق مخازن سازمانی، تجزیه و تحلیل وضعیت دسترسی آزاد و استفاده از

مخازن سازمانی توسط دانشگاه‌های آسیایی انجام دادند. نتایج بررسی حاکی از آن بود که به ترتیب دانشگاه‌های ژاپن، هند و سپس تایوان، بیش‌ترین مشارکت را در ایجاد مخازن سازمانی و دسترسی آزاد داشته‌اند. با توجه به این که تعداد محدودی از دانشگاه‌های آسیایی از جنبش دسترسی آزاد استفاده می‌کنند، این پژوهش پیشنهاد می‌کند مقامات دانشگاه‌ها با راه‌اندازی مخازن سازمانی، کیفیت خروجی فکری و پژوهش‌های خود را ارتقاء دهند.

(Kyriaki et al. 2013) پژوهشی در TEI¹ آتن یکی از بزرگ‌ترین مؤسسات آموزش عالی یونان انجام داد. در این پژوهش ۱۴۰ پرسشنامه از طریق ایمیل بین اعضای هیأت‌علمی رسمی از دانشکده‌های مختلف توزیع شد که ۹۰ پرسشنامه بازگشت داده شد. علاوه بر این چند مصاحبه‌ی ساختارمند با اعضای هیأت‌علمی می‌انجام گرفت. هدف اصلی این تحقیق اکتشافی عبارت بود از: تعیین بهترین شیوه برای ترویج مخازن دانش سازمانی، افزایش مجموعه از محتوای علمی، بررسی و شناسایی نگرش اعضای هیأت‌علمی نسبت به خودآرشیوی و مخازن دانش سازمانی، تعیین سطح دانش اعضا نسبت به خودآرشیوی و سپردن آثار خود به مخازن دانش سازمانی. نتایج نشان داد که اعضای هیأت‌علمی نگرشی مثبت نسبت به این مخازن دارند و ۸۹٪ از اعضا مایل به یادگیری روش‌های خودآرشیوی و سپردن آثار خود به این مخازن هستند.

آگاهی و نگرش افراد نسبت به مخازن سازمانی، عاملی مؤثر در استفاده از این مخازن است. بدین منظور « (Bamigbola 2014) در مطالعه‌ای موردی به بررسی سطح آگاهی و نگرش اعضای هیأت‌علمی رشته‌ی کشاورزی در دانشگاه فدرال تکنولوژی نیجریه (FUTA)^۲ پرداخت. داده‌های پژوهش از طریق پخش ۸۰ پرسشنامه بین اعضای هیأت‌علمی هشت گروه آموزشی در دانشکده‌ی کشاورزی این دانشگاه جمع‌آوری شد. که در این بین ۵۱ پرسشنامه بازگشت داده شد. نتایج نشان دهنده‌ی دید مثبت اعضای هیأت‌علمی نسبت به این مخازن بود ولی در عین حال اعضا تمایل کمی نسبت به سپردن آثار خود به این مخازن نشان داده بودند. در نهایت مشخص شد که استفاده از مخازن سازمانی را سطح نگرش و آگاهی افراد مشخص می‌کند.

(Lee et al. 2015) طی یک مطالعه موردی به بررسی اینکه مخازن سازمانی تا چه اندازه در دسترسی و دسترس‌پذیری مقالات بر روی وب تأثیر دارند، پرداختند. به این منظور ۱۷۰ مقاله مجله با دسترسی آزاد در مخزن دانش سازمانی دانشگاه ایالتی فلوریدا قرار داده شد. برای تجزیه و تحلیل تأثیر مخازن دانش سازمانی در دسترس‌پذیری کردن مقالات به جست و جوی عنوان اثر در گوگل^۳ و گوگل اسکولار^۴ پرداخته شد و نتایج مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد از مجموع ۱۷۰ مقاله، ۱۴۵ مقاله بازیابی شده که ۹۶ مقاله به صورت تمام متن می‌باشد. نتایج تأثیر مثبت مخزن در دسترس‌پذیری اطلاعات را تأیید کرد و برخی موانع موفقیت دسترسی آزاد را برشمرد

-
- 1 . Technological and Educational Institute
 - 2 . Federal university of Technology, Akure
 - 3 . Google
 - 4 . Google Scholar

که عبارتند از: موانع ترتیب قرارداد بین نویسنده و ناشر، موانع مربوط به سیاست، شیوه و فناوری حاکم بر مخزن دانش سازمانی و سطح پایین مشارکت دانشکده در این مخازن.

زاهدی نوقابی (۱۳۸۹) در پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد خود به بررسی مخزن سازمانی دانشگاه فردوسی مشهد و سنجش هم‌خوانی آن با معیارهای تخصصی پرداخت. هدف از این پژوهش کاربردی که با روش پیمایشی و مطالعه موردی انجام پذیرفت، شناسایی ویژگی‌های یک مخزن سازمانی و بررسی میزان هم‌خوانی وضعیت کنونی مخزن سازمانی موجود با آن ویژگی‌ها بود. در آخر ویژگی‌های یک مخزن سازمانی مطلوب در پنج مقوله دسته‌بندی شد که عبارتند از: (۱) دارا بودن محتوای رقومی (۲) منشأ سازمانی (۳) دارا بودن محتویات علمی (۴) خاصیت انباشتگی تدریجی و دائمی بودن (۵) میانکنش‌پذیری و دسترسی آزاد.

صمیمی (۱۳۸۹) در رساله کارشناسی ارشد خود به بررسی عوامل مؤثر در ایجاد مخزن دانش الکترونیک در شرکت آب و فاضلاب شهر تهران پرداخت. صمیمی در یک دسته‌بندی، مکانیزم‌هایی که افراد را به مشارکت در این مخزن تشویق می‌کنند را به دو دسته تقسیم می‌کند که عبارتند از: (۱) مکانیزم‌های تشویقی که موجب ترغیب کارمند به مشارکت در این مخازن دانشی می‌شوند. (۲) مکانیزم فرصت‌ها که شرایط و موقعیت مشارکت در این مخازن را برای افراد فراهم می‌سازند. یافته‌های پژوهش بیان می‌دارد علی‌رغم وجود مخزن دانشی در این سازمان و سرمایه‌گذاری بسیار جهت خرید و ایجاد زیرساخت‌های دانشی و فناوری، عدم مشارکت افراد در این مخزن جهت انتقال دانش به چشم می‌خورد.

پریرخ و زاهدی نوقابی (۱۳۸۹) طی پژوهشی به بررسی نگرش اعضای هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد نسبت به مخزن سازمانی این دانشگاه (ساعد) پرداختند. در این پژوهش کاربردی که با روش پیمایشی و مطالعه‌ی موردی جهت شناسایی وضعیت استفاده اعضای هیأت علمی از مخزن سازمانی این دانشگاه انجام گرفت، پرسشنامه‌ای محقق ساخته میان تمام اعضای که از ساعد استفاده می‌کردند پخش شد. یافته‌های پژوهش بیانگر دشوار بودن استفاده از ساعد برای بیشتر اعضای هیأت علمی بود، بیشتر آن‌ها در ثبت، تغییر و ویرایش اطلاعات با مشکل مواجه بودند، همچنین کمبود آموزش و عدم آموزش صحیح از مهم‌ترین علل عدم آشنایی با سامانه و وجود مشکل در ثبت آثار شناخته شد.

پریرخ و زاهدی نوقابی (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی چگونگی ارزیابی نرم‌افزارهای مخازن سازمانی پرداختند. هدف اصلی این پژوهش بررسی نرم‌افزار مخزن سازمانی دانشگاه فردوسی مشهد (ساعد) بود. پژوهش انجام شده کاربردی و از نوع ارزیابانه بود که با روش مطالعه موردی انجام گرفت. برای بررسی سامانه‌ی نرم‌افزاری مورد استفاده برای مخزن سازمانی دانشگاه از سیاهه و ارسای محقق ساخته استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که وضعیت ساعد از لحاظ ویژگی‌های فنی در حد متوسط است. با این وجود ضعف در برخی از قسمت‌ها مانند مدیریت محتوا و دسترسی‌پذیری، بر کارایی سامانه تأثیر دارند. از این رو باید تمرکز بیشتری بر ویژگی‌های کاربرمدار

سامانه صورت گیرد. همچنین ویژگی‌های آرشیو و پشتیبانی از سامانه در وضعیت متوسط هستند که با توجه به استفاده‌ی روزافزون از سیستم می‌توانند در آینده چالش برانگیز باشند.

بررسی پیشینه‌ها در خارج از کشور نشان می‌دهد که مخازن دانش سازمانی در دهه‌های اخیر مورد توجه بسیار قرار گرفته‌اند و بسیاری از سازمان‌های علمی و دانشگاهی با برنامه‌هایی در سطح ملی، منطقه‌ای و گاهی جهانی اقدام به ساخت و توسعه‌ی مخزن دانش سازمانی خود با رویکردهای جدید و مطابق با فناوری‌های روز نموده‌اند. در این پژوهش‌ها محققان بیشتر به دنبال شناسایی عوامل مؤثر در موفقیت این مخازن بوده‌اند و توجه به کاربران به عنوان عامل تضمین‌کننده گسترش و استفاده از این مخازن در پیشینه‌ها قابل شناسایی است.

بررسی پیشینه‌ها در داخل کشور حاکی از آن است که با وجود اهمیت فراوان مخازن دانش سازمانی به منظور ایجاد، حفظ و اشاعه‌ی اطلاعات، تاکنون مطالعات جامعی که منجر به تدوین و ارائه‌ی عوامل مؤثر در عملکرد این مخازن باشد، صورت نگرفته است. تا زمان انجام پژوهش حاضر، پژوهشی در خصوص مخزن دانش سازمانی دانشگاه شهید چمران اهواز (سامانه‌ی مدیریت اطلاعات پژوهشی) انجام نشده است. اطلاعات این پژوهش می‌تواند بستر مناسبی برای گسترش و تحول در مخزن دانش سازمانی این دانشگاه بوجود آورد.

۳. روش پژوهش

هدف اصلی این پژوهش شناسایی وضعیت استفاده از مخزن دانش سازمانی دانشگاه شهید چمران اهواز است. دیگر اهداف این پژوهش عبارتند از سنجش میزان استفاده‌ی اعضای هیأت علمی از سامانه‌ی مدیریت اطلاعات پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز و نیز بررسی انتظارات آن‌ها از آن، شناسایی مشکلات و مسائل رو در روی اعضای هیأت علمی در استفاده از این سامانه، چالش‌های استفاده از این سامانه و ارائه‌ی پیشنهادهایی برای ارتقاء و کاربرمداری آن. انتظار می‌رود این توصیه‌ها در راستای ارتقاء سامانه‌های مدیریت اطلاعات و افزایش کاربرمداری، مورد استفاده طراحان قرار گیرد.

جهت دستیابی به اهداف پژوهش، پرسش‌های زیر طرح شد:

۱. نظر اعضای هیأت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز درباره‌ی استفاده از سامانه‌ی مدیریت اطلاعات پژوهشی این دانشگاه چگونه است؟
۲. آیا بین نظرات گروه‌ها در رابطه با سامانه‌ی مدیریت اطلاعات پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز رابطه‌ی معنی داری وجود دارد؟
۳. مشکلات و نقائص احتمالی سامانه‌ی مدیریت اطلاعات پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز از نظر کارشناسان این سامانه و اساتید دانشگاه چیست؟
۴. چه راهکارهایی برای ارتقاء و بهبود عملکرد سامانه‌ی مدیریت اطلاعات پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز وجود دارد؟

این پژوهش کاربردی به روش پیمایشی و مطالعه‌ی موردی انجام گرفت. جامعه‌ی پژوهش را ۵۵۹ نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز و نیز حدود ۴ نفر از کارشناسان سامانه‌ی مدیریت اطلاعات پژوهشی این دانشگاه تشکیل دادند. از جامعه اساتید به کمک جدول کرجسی - مورگان نمونه گیری تصادفی - طبقه‌ای به عمل آمد. بر اساس این جدول، تعداد نمونه ۲۲۸ نفر از اعضای هیأت علمی است. پراکندگی استفاده‌کنندگان از سامانه در جدول ۱ نشان داده می‌شود.

برای سنجش نظر اعضای هیأت علمی، پرسشنامه‌ای براساس پرسشنامه‌ی مهدی زاهدی نوقابی (۱۳۸۹) تهیه و تدوین گردید و در تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۰ به سه روش دستی، الکترونیکی و باکس اساتید توزیع شد که نهایتاً در تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۰ تعداد ۱۴۱ پرسشنامه برگشت داده شد، یعنی حدود ۶۱٪ به پرسشنامه پاسخ دادند. همچنین نظر کارشناسان سامانه از طریق مصاحبه گردآوری شد. برای سنجش روایی از روایی محتوایی استفاده شده بدین صورت که پرسشنامه در اختیار چند نفر از اساتید گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی و روانشناسی صنعتی و سازمانی قرار گرفت تا سؤالات پرسشنامه از لحاظ محتوایی مورد بررسی قرار گیرند. پیشنهادها و نظرات این افراد در تدوین پرسشنامه نهایی مدنظر قرار گرفت. اعتبار و پایایی از جمله مفاهیمی است که برگرفته از روش‌های کمی در پژوهش‌های اجتماعی است و اگر چه محاسبه‌ی این شاخص‌ها در حوزه‌ی پژوهش‌های کمی با تکیه بر محاسبات و آزمون‌های آماری دقیق انجام می‌گیرد، کسب اطمینان از احراز پایایی و اعتبار در حوزه‌ی کیفی، به دقت حوزه‌ی کمی امکان‌پذیر نیست. حال با توجه به اینکه پژوهش حاضر از نوع کیفی می‌باشد، سنجش پایایی آن عملاً امکان‌پذیر نیست و لزومی ندارد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار اس پی اس^۱ و اکسل^۲ با روش‌های توصیفی تحلیل شد.

۴. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

در این قسمت پس از تحلیل اطلاعات جمعیت شناختی بر پایه‌ی یافته‌ها به پرسش‌های پژوهش پاسخ داده شد.

۵-۱. آخرین مدرک تحصیلی

اکثریت اعضای هیأت علمی با ۹۵٪ دارای مدرک تحصیلی دکتری و ۵٪ دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد می‌باشند. به طور کلی اکثریت اعضای هیأت علمی خصوصاً در دانشگاه‌های دولتی دارای مدرک تحصیلی دکتری می‌باشند. علت این امر به ماهیت و هرم جمعیتی جامعه‌ی پژوهش و قوانین جاری آموزش عالی بر می‌گردد که بر اساس آن‌ها، جذب عضو هیأت علمی در دانشگاه‌های تابع وزارت علوم صرفاً با مدرک دکتری مجاز می‌باشد.

۵-۲. مرتبه‌ی علمی

از آنجا که انتظار می‌رود متغیر مرتبه‌ی علمی بتواند بر تعداد تولیدات علمی و در نتیجه نیاز به آشنایی با سامانه برای ذخیره‌سازی و مدیریت آثار تأثیر داشته باشد، این ویژگی نیز به عنوان یکی از اطلاعات جمعیت‌شناختی در

1 . Spss
2 . Excel

پرسشنامه مورد توجه قرار گرفت. طبق شکل ۱، بیشترین درصد شرکت کنندگان بر اساس مرتبه‌ی علمی آن‌ها به ترتیب متعلق به استادیار (۵۶/۷٪)، دانشیار (۲۲٪)، استاد (۱۴/۹٪) و مربی (۶/۴٪) می‌باشد. با توجه به بیشترین و کمترین درصدها و مشاهدات انجام شده، می‌توان گفت که احتمالاً علت این امر یکی سیر طبیعی ارتقاء مرتبه‌ی علمی در دانشگاه‌ها است که همواره نسبت تعداد افراد با مراتب بالاتر کمتر از مراتب پایین‌تر است زیرا معمولاً همه موفق به ارتقاء مرتبه نمی‌شوند و علت دیگر می‌تواند بازنشستگی تعداد زیادی از اعضای هیأت علمی با مرتبه‌های دانشیاری و استادی و ورود نیروی جوان به دانشگاه باشد.

تعداد انتشارات اعضای هیأت علمی هر دانشگاه نشان‌دهنده‌ی میزان تولیدات علمی و توجه آن دانشگاه به امر پژوهش است. هرچه حجم انتشارات بیشتر باشد، لزوم تدوین بسترهایی برای ثبت آن‌ها به عنوان برونداد دانشگاه اهمیت می‌یابد. از این جهت از اعضای درخواست شد تا تعداد آثار علمی خود را به تفکیک شش نوع منبع اطلاعاتی ذکر کنند (کتاب، مقاله‌ی منتشر شده در مجلات، مقاله‌ی ارائه شده در همایش‌ها، طرح پژوهشی پایان یافته، پایان‌نامه دکتری و پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد).

یافته‌ها نشان داد که بالای ۲۵ درصد از اعضای هیأت علمی بین ۱-۱۰ مقاله‌ی علمی منتشر شده در مجلات، مقاله‌ی ارائه شده در همایش‌ها منتشر کرده‌اند. همچنین بین ۱-۱۰ پایان‌نامه‌ی دکتری و پایان‌نامه کارشناسی ارشد هدایت کرده‌اند. همچنین بیش از ۴۰ درصد از اعضای بین ۱-۱۰ کتاب و طرح پژوهشی داشته‌اند. به نظر می‌رسد سه منبع طرح پژوهشی، کتاب و مقاله‌ی منتشر شده در مجلات بیشترین تولیدات علمی را در این دانشگاه به خود اختصاص داده‌اند. ناگفته نماند که با افزایش تعداد انتشارات در هر کدام از این سه نوع منبع، از تعداد افراد کاسته می‌شود. به نظر می‌آید این امر با قانون «لوتکا»^۱ هم‌خوانی دارد. لازم به ذکر است که از حدود نیمه‌ی دهه‌ی ۱۳۸۰ بر اساس قوانین تشویقی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری رشد تولید آثار علمی در دانشگاه‌ها افزایش یافته است و انتظار می‌رود این روند همچنان ادامه داشته باشد.

۳-۵. پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش

۳-۵-۱. نظر اعضای هیأت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز درباره‌ی استفاده از سامانه‌ی مدیریت اطلاعات پژوهشی این دانشگاه چگونه است؟

این پرسش به بررسی نظر اعضای هیأت علمی درباره‌ی سامانه‌ی مدیریت اطلاعات پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز می‌پردازد.

حدود ۹۳/۶ درصد از اعضای هیأت علمی وجود چنین سامانه‌ای را مفید می‌دانند. میزان بالای موافقت نشان‌دهنده‌ی نگرش مثبت اعضای هیأت علمی نسبت به نیاز به سامانه‌ی مدیریت اطلاعات پژوهشی است. البته عمده‌ی اعضای استفاده از خدمات پژوهشی را جزء دلایل مفید بودن سامانه می‌دانستند. با توجه به اهمیت مخازن دانش سازمانی، شناسایی انواع منابع و دسترس‌پذیر ساختن آن‌ها از جمله اقدامات مهم در توسعه و پیشرفت این مخازن

1. Lotka

به شمار می‌آید. در همین راستا، دو سؤال برای دریافت نظر اعضای هیأت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز مطرح شد. اولین سؤال درباره‌ی موافقت اعضای هیأت علمی با ثبت انواع آثارشان در سامانه‌ی مدیریت اطلاعات پژوهشی این دانشگاه بود.

بر اساس یافته‌ها بیش از ۶۰ درصد اعضاء موافقت خود را با ثبت آثارشان اعلام کردند. این امر نشان از دید نسبی مثبت اعضاء در واگذاری آثارشان به سامانه دارد. البته به نظر می‌آید با توجه به شرایط موجود سامانه‌ی مدیریت اطلاعات پژوهشی و گله‌مندی‌هایی که بعضا وجود دارد، چنانچه مشکلات سامانه برطرف گردد شاهد همکاری بیشتر از سوی آن‌ها خواهیم بود. برای تکمیل این اطلاعات، گویه‌ی دیگری با محوریت موافقت اعضای هیأت علمی با ارسال متن کامل آثار خود به سامانه ارائه شد. در این سؤال ده گزینه (مقاله، کتاب، طرح پژوهشی، وبلاگ، طرح درس، جزوه، وبسایت، اسلاید، سخنرانی‌ها و پایان‌نامه) ارائه گردید. بر اساس یافته‌ها، حدود ۸۸ درصد افراد نسبت به ثبت متن کامل مقاله خود نظر مثبت داشتند و در رابطه با سایر گزینه‌ها میزان رضایت چندان مطلوب نبود. احتمالا علت این امر به عدم رعایت قوانین حق مؤلف برمی‌گردد. به نظر می‌آید چنانچه مسئولین سامانه تدابیر و سیاست‌هایی برای جلوگیری از سوءاستفاده از آثار اعضای هیأت علمی در نظر بگیرند می‌توان امیدوار بود که شاهد همکاری بیشتر اعضاء در واگذاری متن کامل آثارشان باشیم و در این صورت یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مخازن دانش پژوهشی یعنی دسترس‌پذیری محقق می‌گردد. پژوهشگران دیگری نظیر؛ (Pelizzari 2002)، (Wust 2004)، (Vanbentum et al. 2006) دریافتند که گرچه اعضای هیأت علمی با مخازن دانش سازمانی ناآشنا هستند اما به واگذاری آثارشان به این مخازن علاقمندند. پژوهش‌های زاهدی نوقابی (۱۳۸۹)، (Kyriaki et al. 2013) نیز نشان از دید مثبت اعضای هیأت علمی نسبت به این مخازن داشت و اعضاء مایل به سپردن آثار خود به این مخازن بودند. (Bamigbola 2014) به این نتیجه رسید که اگر چه اعضای هیأت علمی دید مثبتی نسبت به این مخازن دارند اما تمایل کمی به سپردن آثار خود به این مخازن دارند. لذا با توجه به آنچه که در بالا ذکر شد، می‌توان گفت یافته‌های پژوهش حاضر تقریبا با یافته‌های همه همسو است ولی با یافته‌های (Bamigbola 2014) همسویی بیشتری دارد.

از موضوع‌هایی که در تداوم کار با سامانه و استفاده از آن تأثیرگذار است، چگونگی ارسال آثار به سامانه‌ی مدیریت اطلاعات پژوهشی دانشگاه می‌باشد. هدف از طرح این سؤال، کسب اطلاع از نظر پاسخگویان درباره‌ی فردی است که اطلاعات آثار علمی اساتید را در سامانه ثبت کرده است. یافته‌ها، نشان داد که حدودا بیش از ۹۰ درصد اعضای هیأت علمی، آثارشان را خودشان به تنهایی در سامانه‌ی مدیریت اطلاعات پژوهشی ثبت کرده‌اند. زمانی که آگاهی اعضاء نسبت به سامانه افزایش پیدا کند، مشارکت آنان در استفاده از سامانه نیز افزایش می‌یابد. ولی قبل از هر نوع برنامه‌ریزی به بررسی میزان آشنایی اعضای هیأت علمی با سامانه نیاز است.

بر اساس یافته‌ها حدود ۳۸/۳ درصد از اعضای هیأت علمی بیش از حد متوسط با سامانه آشنایی دارند. بنابراین انتظار می‌رود تا حد قابل قبولی توانایی کار با سامانه را داشته باشند. از طرف دیگر نزدیک به ۳۴/۸ درصد افراد معتقد بودند که در حد متوسط با سامانه آشنایی دارند. این افراد قادر به تعیین میزان آشنایی خود با سامانه در

دسته‌ی بالا یا پایین نیستند. با توجه به اطلاعات ارائه شده در شکل ۱، می‌توان چنین برداشت کرد که چون بیشتر آنان دارای مرتبه‌ی استادیاری هستند و به دلیل آثار محدود، کمتر از سامانه استفاده می‌کنند میزان آشنایی خود را متوسط اعلام کرده‌اند. بنابراین، ضروریست برای همه‌ی اعضاء، به ویژه در این گروه (دسته‌ی متوسط)، کارگاه‌های آشنایی با سامانه برگزار گردد. این یافته‌ها با یافته‌های حاصل از پژوهش زاهدی نوقابی (۱۳۸۹) همسو می‌باشد.

یکی از عوامل تأثیرگذار بر استفاده از سامانه‌ی مدیریت اطلاعات پژوهشی دانشگاه توسط اعضای هیأت‌علمی، ترویج و اطلاع‌رسانی درباره‌ی ویژگی‌های آن است. یافته‌ها نشان داد اطلاع‌رسانی در مورد سامانه در حد متوسط بوده است. بنابراین برای استفاده‌ی مطلوب از سامانه، باید معرفی مناسبی از آن برای اعضای هیأت‌علمی انجام شود و هرگونه تغییر در سامانه که بر استفاده‌ی اعضاء از سامانه تأثیرگذار است نیز به اطلاع آن‌ها برسد. پژوهش‌های بسیاری مانند زاهدی نوقابی (۱۳۸۹)، (Lynch and Lippincott 2005)، (Van Westrienen and Lynch 2005) اطلاع‌رسانی و آگاهی دادن به اعضای هیأت‌علمی را از جمله عوامل تأثیرگذار بر استفاده از مخزن دانش سازمانی دانسته‌اند. بنابراین می‌توان گفت یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های ذکر شده مطابقت دارد.

به منظور اطلاع از وضعیت آموزش درباره‌ی سامانه، نظر اعضای هیأت‌علمی در این رابطه بررسی شد. طبق یافته‌ها، نیمی از شرکت‌کنندگان در پژوهش، در دوره‌های آموزشی حضور داشته‌اند و دقیقاً همین تعداد در دوره‌ها شرکت نداشته‌اند. دوره‌های آموزشی نقش بسیار مهمی در افزایش آگاهی اعضاء نسبت به سامانه و کاربردهای آن دارد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که جامعه‌ی پژوهش حاضر همچنان به برگزاری دوره‌های آموزشی برای آشنا شدن با شیوه‌ی استفاده از سامانه و بالا بردن آگاهی اعضاء نسبت به آن نیازمندیم. زاهدی نوقابی (۱۳۸۹) نیز در پژوهش خود بر اهمیت دوره‌ها آموزشی در افزایش آگاهی و آشنایی اعضای هیأت‌علمی با مخازن دانش سازمانی تأکید کرد.

برای بررسی وضعیت استفاده‌ی اعضاء از سامانه به عنوان بستری برای ذخیره و نگهداری اطلاعات دو سؤال در پرسشنامه گنجانده شد. در این قسمت اعضاء باید مشخص می‌کردند که از چه ابزارهایی برای ذخیره‌ی اطلاعات آثار خود استفاده می‌کنند. چگونگی ذخیره و سازماندهی اطلاعات منتشر شده توسط هر فرد، بیانگر نگرش او نسبت به استفاده از ابزارهای سازماندهی اطلاعات علمی است. به عبارت دیگر انتظار می‌رود کسی که جهت مدیریت اطلاعات آثار خود از فناوری استفاده می‌کند، از چگونگی استفاده از سامانه نیز آگاه‌تر باشد و مشکل کمتری در استفاده داشته باشد. یافته‌ها نشان داد هنوز گروهی از اعضاء به استفاده از ابزارهای سنتی (نرم-افزار Word) برای سازماندهی آثار خود، گرایش دارند. افزون بر این باید اشاره کرد که تعداد اندکی از اعضای هیأت‌علمی برای نگهداری سیاهه‌ی منابع علمی خود از ابزارهای متفاوتی به صورت همزمان استفاده می‌کنند. این در حالی است که چنانچه آن‌ها بتوانند به صورت مطلوبی از سامانه استفاده کنند، ممکن است نیازی به استفاده از

ابزارها و بسترهای متعدد نباشد. در همین راستا (Foster and Gibbons 2005) کاربرد ابزارهای دیجیتال در انجام پژوهش را بر افزایش تمایل اعضاء برای واگذاری آثار به سامانه تأثیرگذار می‌دانند. در این پژوهش نیز ابزارهایی چون پست الکترونیک، واژه‌پرداز، صفحه‌ی گسترده و وبسایت‌ها از ابزارهای مورد استفاده‌ی پژوهشگران بودند. در این رابطه یافته‌های پژوهش زاهدی نوقابی (۱۳۸۹) نشان داد که با وجود استفاده‌ی گسترده‌ی اعضاء هیأت علمی از مخزن دانش پژوهشی، اعضاء همچنان به استفاده از ابزارهای سنتی تمایل دارند.

سادگی استفاده از مخزن دانش سازمانی نقش مستقیمی در استقبال مداوم و گسترده‌ی اعضاء از آن دارد زیرا اگر سامانه‌ای مفید، متناسب با نیازها و نوین طراحی شده باشد، ولی استفاده از آن برای کاربر آسان نباشد، میزان استفاده از آن کاهش می‌یابد. از این رو، نظر اعضاء درباره‌ی آسانی استفاده از سامانه پرسیده شد. یافته‌ها نشان داد کار با سامانه‌ی مدیریت اطلاعات پژوهشی دانشگاه شهید چمران تا حدودی ساده است ولی این سامانه همچنان نیازمند تغییر و تحول به سمت جلب رضایت کاربران و افزایش کاربرپسندی می‌باشد. جالب این است که زاهدی نوقابی در سال ۱۳۸۹ در مشهد نیز به نتایج مشابهی در این زمینه دست یافت و این بیانگر این است که نرم‌افزارهای مربوطه در کشور کمابیش در سطح مشابهی بوده و هنوز نتوانسته اند خود را با انتظارات کاربران وفق دهند.

به طور کلی در پاسخ به این سؤال می‌توان بیان کرد که همه‌ی پاسخ‌دهندگان به علت بهره‌گیری از خدمات پژوهشی ناچار به استفاده از سامانه هستند. آن‌ها خود، اطلاعات منابع تولید شده خود را وارد می‌کنند. بنابراین آشنایی با سامانه برای آن‌ها اهمیت زیادی دارد. گرچه بیشتر آن‌ها اعلام کردند که با سامانه آشنا هستند، ولی استفاده از آن را مشکل می‌دانستند. به نظر می‌آید کاربرد دست‌نبردن نرم افزار، کمبود اطلاع‌رسانی و برنامه‌های آموزشی مرتبط با سامانه، و نبود اطلاع‌رسانی مناسب در این رابطه این مشکل را بیشتر می‌نماید.

۵-۳-۲. آیا بین نظرات گروه‌ها در رابطه با سامانه‌ی مدیریت اطلاعات پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز رابطه‌ی معنی داری وجود دارد؟

این سؤال به بررسی رابطه‌ی بین نظرات دو گروه، کارشناسان سامانه و اعضاء هیأت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز پیرامون سامانه‌ی مدیریت اطلاعات پژوهشی این دانشگاه می‌پردازد. از آنجا که برای پاسخ به این سؤال با توجه به کیفی بودن داده‌ها نمی‌توانیم از آزمون‌های مربوط به پژوهش‌های کمی استفاد کنیم، به بررسی پاسخ‌های دریافتی از سؤالات پرسشنامه و مصاحبه انجام شده پرداختیم.

طبق یافته‌های حاصل از بررسی پاسخ‌ها، اعضاء هیأت علمی با مشکلات متعددی در استفاده از سامانه روبه‌رو بودند و به طور کلی این سامانه را مطلوب و درخور دانشگاه شهید چمران اهواز نمی‌دانستند. آنان با ارائه‌ی راهکارهایی سودمند خواهان ارتقاء و یا جایگزینی سامانه با یک سامانه‌ی جدید شدند. این در حالی بود که کارشناسان ادعا داشتند وضعیت سامانه نسبتاً مطلوب است و نیازی به حذف و یا ارتقاء آن وجود ندارد. حدود ۵۰ درصد از اعضاء هیأت علمی بهترین راهکار برای ارتقاء سامانه را به روز رسانی و کارآمد کردن سامانه معرفی کردند، این در حالی بود که کارشناسان، سامانه را به روز می‌دانستند و بهترین راهکار برای ارتقاء سامانه را در

بهبود وضعیت آموزشی از طریق به روز رسانی اطلاعات کامپیوتری اساتید اعلام داشتند. تنها نقطه‌ی اشتراک بین نظرات دو گروه، برگزاری دوره‌ای کارگاه‌های آموزشی جهت معرفی سامانه و نحوه‌ی استفاده از آن برای کاربران بود. در رابطه با کارگاه‌های آموزشی حدود نیمی از اعضاء در کارگاه‌ها شرکت کرده بودند و رضایت خود را نسبت به سودمندی کارگاه‌ها و توانایی استفاده از یافته‌های خود اعلام داشتند، اما حدود نیمی از اعضاء نیز به دلایل مختلف مانند محدود بودن تعداد جلسات تشکیل کارگاه‌ها، مشغله‌های کاری اعضاء، جدیدالورود بودن اعضاء و غیره موفق به شرکت در کارگاه‌ها نشده بودند. کارشناسان سامانه نیز یکی از دلایل عدم رضایت کاربران را محدود بودن دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های آشنایی با سامانه اعلام داشتند. آن‌ها بیان کردند که این کارگاه‌ها در اوایل راه‌اندازی سامانه تشکیل شده ولی تداوم چشمگیری نداشته است. از این رو، با توجه به محدود بودن تعداد این جلسات، اکثر کاربران آموزش‌های لازم را ندیده و در استفاده از سامانه دچار مشکل می‌شوند.

۳-۳-۵. مشکلات و نقائص احتمالی سامانه‌ی مدیریت اطلاعات پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز از نظر کارشناسان این سامانه و اساتید دانشگاه چیست؟

پی بردن به مشکلات و چالش‌های پیش روی اعضاء هیأت علمی می‌تواند برنامه‌ریزان و مسئولان سامانه‌ی مدیریت اطلاعات پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز را در بهبود عملکردهای این سامانه راهنمایی کند. بیش از ۸۰ درصد اعضاء هیأت علمی هدف از ثبت اطلاعات علمی خود در سامانه را استفاده از ترفیع و طرح پژوهانه اعلام داشتند. بنابراین، می‌توان استنباط کرد که استفاده از خدمات پژوهشی دانشگاه، انگیزه‌ی اصلی اعضاء هیأت علمی جهت ثبت اطلاعات خود در این سامانه می‌باشد. زاهدی نوقابی (۱۳۸۹) نیز در پژوهش خود به همین نتیجه دست یافت. سایر اهداف اعضاء از ثبت اطلاعات در سامانه به ترتیبی است که در زیر می‌آید:

- تهیه‌ی سیاهه‌ای از آثار برای استفاده‌های بعدی،
- فراهم کردن امکان دسترسی به آثار برای دیگران از طریق وب‌سایت دانشگاه،
- بهره‌مند شدن از طرح تشویقی مقالات،
- افزایش تعداد استناد به آثار،
- شرکت در مجامع علمی خارج از کشور، و
- استفاده از مأموریت فرصت مطالعاتی.

برخلاف نتایج پژوهش (Kim 2007) که نشان داد افراد برای دسترسی آزاد و استفاده عمومی از اثر خود، به استفاده از مخازن سازمانی روی آورده بودند، هدف بیشتر اعضاء دانشگاه شهید چمران اهواز از ثبت آثار خود در سامانه‌ی مدیریت اطلاعات پژوهشی، تحت تأثیر خدمات پژوهشی این دانشگاه است. این امر ناظر بر الزامی است که توسط دانشگاه در ارسال آثار به سامانه بوجود آمده است. چنین الزامی توسط (Jantz and Wilson 2008) نیز مورد اشاره قرار گرفته است.

پژوهش (Foster and Gibbons 2005) مهم‌ترین دلایل ثبت آثار در مخازن را اشاعه‌ی سریع‌تر و گسترده‌تر، خواندن، بررسی، به اشتراک‌گذاری و دسترس‌پذیری آثار برای دیگران می‌دانند. ولی در پژوهش حاضر، این هدف‌ها در اولویت نبودند. این تفاوت نظر می‌تواند ناشی از تفاوت فرهنگی و شناختی بین دو جامعه باشد. یکی از دلایل می‌تواند قوی نبودن فرهنگ به اشتراک‌گذاری دانسته‌ها توسط افراد باشد که خود می‌تواند ریشه در فرهنگ اجتماعی و علمی این جامعه داشته باشد. با این وجود، ۴۱ درصد اعضای دسترسی دیگران و نزدیک به ۲۶ درصد از آن‌ها افزایش استناد به آثار خود را در زمره‌ی اهداف خود دانسته‌اند. با برنامه‌ریزی مدون و دقیق برای آموزش اعضای هیأت علمی می‌توان شناخت آن‌ها را از اهمیت و ارزش افزوده دسترس‌پذیر ساختن آثارشان و استناد به آن‌ها افزایش داد. البته همانطور که اشاره شد، این وضعیت گویای این است که رویکرد مدیریت دانش و توجه به اشتراک دانش در این جامعه ضعیف است. بدیهی است برای جبران این ضعف، فرهنگ‌سازی در این رابطه یکی از مهم‌ترین برنامه‌هایی است که لازم است مدیریت دانشگاه در دستور کار خود قرار دهد.

از دیگر چالش‌های پیش روی اعضای هیأت علمی، نیاز به فرد جایگزین برای ثبت اطلاعات می‌باشد. گرچه بیش از ۹۰ درصد اعضای هیأت علمی آثار خود را به تنهایی و بدون هیچ کمکی در سامانه ثبت می‌کنند، اما اکثر آن‌ها به دلایل گوناگون مانند کمبود وقت، مشکل کار کردن با سامانه و غیره خواهان ثبت آثارشان توسط دیگران هستند. از این رو، از اعضایی که وجود جایگزین برای ثبت اطلاعات را لازم دانستند، خواسته شد تا از بین شش گویه‌ی ارائه شده، مناسب‌ترین گزینه را پیشنهاد کنند (امکان پاسخ‌گویی به بیش از یک گزینه وجود داشت). در جدول ۲ منظور از گزینه‌های موافق، ممتنع و درصد موافقین به ترتیب عبارتست از تعداد افرادی که گویه‌ی مورد نظر را به عنوان نهاد مناسب برای ثبت آثارشان قبول داشتند، تعداد افرادی که در خصوص نهاد مناسب برای ثبت آثارشان در سامانه هیچ گونه نظری نداشتند و درصد افرادی که گویه‌ی مورد نظر را به عنوان نهاد مناسب برای ثبت آثارشان قبول داشتند.

طبق یافته‌های جدول ۲، مناسب‌ترین نهاد از نظر اعضای جهت ثبت اطلاعات، به ترتیب کارشناس گروه و معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اعلام شد. بر پایه‌ی نظر پاسخ‌دهندگان، چون کارشناس گروه به طور مستمر در جریان فعالیت‌های اعضای قرار دارد، تعدادی از اعضای این فرد را به عنوان مسئول ورود اطلاعات آثار ارجح می‌دانند. بقیه‌ی نهادهای معرفی شده، توسط تعداد کمی به عنوان مراکز مناسب برای این مسئولیت در نظر گرفته شدند. همسو با یافته‌های پژوهش حاضر، (Pelizzari 2004) نیز در پژوهش خود دریافت که به نظر اعضای، فرد دیگری مانند کارمندان فنی و یا اجرایی بخش یا دانشکده باید اطلاعات آن‌ها را به سامانه وارد کنند. برخی از پژوهشگران مثل (Jantz and Wilson 2008) معتقدند که کتابداران می‌توانند به عنوان میانجی بین اعضای هیأت علمی و مدیران دانشگاه به گردآوری محتوا بپردازند. به باور آن‌ها کتابداران قادرند از طریق گفتگوی غیر رسمی انگیزه‌ی همکاری اعضای در واگذاری آثار خود را افزایش دهند. پژوهش‌های (Lam and Chan 2007) ، (2008) ، Palmer et al (نیز استفاده از کتابداران به عنوان افراد متبحر را تأیید کردند. زاهدی نوقایی (۱۳۸۹) ، (Chan et al. 2005) ، (Grundman 2009) ، (Newton et al. 2011) در پژوهش خود به نقش کتابداران در مخازن سازمانی تأکید کردند. در پژوهش (Watson 2007) اعضای هیأت علمی مایل بودند، کتابخانه آثار آن‌ها را در

مخزن دانش سازمانی ثبت کند زیرا درباره‌ی واگذاری کامل آثار خود به سامانه اطمینان نداشتند. بر خلاف یافته‌های پژوهش‌های ذکر شده، در پژوهش حاضر تنها تعداد محدودی از اعضای هیأت علمی (۱۶٪) مایل بودند که کتابخانه آثار آن‌ها را در مخزن دانش سازمانی دانشگاه ثبت کند.

از دیگر چالش‌ها در رابطه با استفاده از سامانه، سودمندی دوره‌های آموزشی برگزار شده برای اعضای هیأت علمی است. به همین منظور از افرادی که تا زمان انجام این پژوهش در دوره‌ی آموزشی شرکت کرده بودند، خواسته شد تا نظر خود را درباره‌ی سودمندی و کاربرد آن دوره بیان کنند. طبق یافته‌ها، حدود ۹/۲ درصد از شرکت کنندگان در دوره‌ی آموزشی آن را نامطلوب، ۲۸/۴ درصد آن را متوسط و ۹/۹ درصد آن را سودمند دانستند. انتظار می‌رود برگزاری بیشتر آموزش‌های با کیفیت و مداوم به افزایش بهره‌وری آن‌ها و در نتیجه تثبیت یادگیری اعضاء بینجامد.

اگرچه نزدیک به ۴۹/۶ درصد از اعضاء در دوره‌های آموزشی برگزار شده شرکت نکرده‌اند، ۵۱/۱ درصد از آن‌ها نیاز به آموزش برای استفاده از سامانه را اعلام داشتند.

از آنجا که روش آموزش می‌تواند بر میزان مشارکت و یادگیری افراد اثر گذارد از اعضای هیأت علمی در مورد روش‌های آموزش مناسب سؤال شد. افرادی که نیاز به آموزش داشتند، می‌توانستند در پرسشنامه، نوع و روش آموزش دلخواه خویش را برگزینند (امکان انتخاب بیش از یک گزینه وجود داشت).

طبق یافته‌ها، اعضای هیأت علمی کارگاه‌های آموزشی و کمک الکترونیکی در زمان نیاز را از مناسب‌ترین روش‌ها برای آموزش می‌دانند. از این رو آموزش‌های کاربرمدار و استفاده از روش‌های مناسب آموزشی متناسب با نیاز کاربران باید مورد توجه قرار گیرد. هم‌سو با پژوهش حاضر، زاهدی نوقابی (۱۳۸۹) نیز در پژوهش خود بر سودمندی دوره‌های آموزشی و استفاده از روش‌های مناسب آموزشی تأکید کرد.

از مهم‌ترین موارد برای دسترس‌پذیر کردن اطلاعات مخزن دانش پژوهشی، مکانی است که اطلاعات وارد شده به سامانه قابل جستجو و نمایش باشد. در پژوهش حاضر، تا زمان توزیع پرسشنامه‌ها، تنها راه دسترسی به اطلاعات اعضای هیأت علمی، صفحه‌ی خانگی آن‌ها بر روی پورتال دانشگاه بود. این شیوه برای دسترسی به منابع تولید شده توسط تمام اعضاء بسیار وقت گیر است. اما با این وجود اکثر افراد شرکت کننده در پژوهش از وضعیت فعلی نمایش اطلاعات راضی بودند. تهیه‌ی صفحه‌ی خاص پژوهشگران ویژگی مناسبی است که برخی از صاحب‌نظران مانند (Foster and Gibbons 2005) بر ضرورت آن تأکید داشته‌اند. در زمان گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر (اسفند ۱۳۹۴)، صفحه‌ی خاص پژوهشگران در پورتال دانشگاه شهید چمران اهواز پیش‌بینی نشده بود لیکن در خرداد ماه ۱۳۹۵ این امکان فراهم شد و اکنون هر یک از اعضای هیأت علمی می‌توانند یک صفحه‌ی شخصی در این پورتال داشته باشند. آنچه که منجر به استفاده‌ی کارا از این اطلاعات می‌شود، دسترس‌پذیر ساختن آن در مکانی مناسب است که کاربران بتوانند به سادگی آن را تشخیص داده و با سهولت از آن استفاده کنند. بنابراین از

افراد مردد یا ناراضی از امکان نمایش درخواست شد مکان مناسب برای دسترسی به آثار را (با امکان انتخاب بیش از یک گزینه) اعلام کنند.

بر اساس یافته‌ها از نگاه افراد شرکت‌کننده در پژوهش حاضر به ترتیب پورتال هر دانشکده، پورتال معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه، صفحه‌ی اصلی پورتال دانشگاه، پورتال مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه مرکزی دانشگاه و پورتال مدیریت فناوری اطلاعات مناسب‌ترین مکان‌ها جهت دسترسی به آثار و دستاوردهای اعضای هیأت‌علمی اعلام شدند. شرکت‌کنندگان در پژوهش (Jantz and Wilson 2008) مهم‌ترین مسیرهای دسترسی به صفحه‌ی آغازین مخزن دانش سازمانی دانشگاه را صفحه‌های ارتباط علمی، صفحه‌ی مخصوص اعضای هیأت‌علمی دانشکده‌ها، مجموعه‌ها و منابع الکترونیکی دانشگاه و صفحه‌ی آغازین کتابخانه دانستند. برخلاف پژوهش حاضر که تنها تعداد محدودی از اعضا (۱۶٪) پورتال مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه مرکزی دانشگاه را مکان مناسبی برای اشاعه‌ی آثار خود می‌دانستند، این پژوهشگران، پورتال کتابخانه را بهترین مکان برای اشاعه‌ی آثار اعضا اعلام داشتند چرا که آگاهی آن‌ها از مخزن دانش سازمانی و تعداد واگذاری آثار را به واسطه کتابداران تحت تأثیر قرار می‌دهد.

مشکلات استفاده از سامانه می‌تواند در نگرش کاربران نسبت به آن تأثیرگذار باشد. از این رو از افرادی که کار با سامانه را ساده نمی‌دانستند، با ارائه‌ی امکان انتخاب بیش از یک پاسخ درخواست شد که مشکلات آن را بیان کنند، از دیدگاه کاربران مشکلات مربوط به ثبت اطلاعات در سامانه (۶۲٪) و عدم جذابیت سامانه (۴۶٪) از چالش برانگیزترین موارد شناخته شدند. از آن‌جا که واگذاری صحیح منابع و ثبت اطلاعات، شالوده و بنیان سایر فعالیت‌ها در سامانه می‌باشد، توجه ویژه برای کاهش مشکلات در این بخش ضروریست. کمبود وقت برای ثبت اطلاعات و اصلاح اطلاعات وارد شده قبلی (۴۲٪)، بازخورد در استفاده از سامانه (۳۲٪)، جستجوی کتاب یا مقاله‌ی خاصی از سامانه و ساختار نمایش و ارائه‌ی اطلاعات در صفحه (۲۸٪) و پیچیدگی استفاده از سامانه (۲۶٪) از جمله مشکلات دیگری بودند که بیش از ۲۵ درصد افراد به آن‌ها اشاره داشتند. این موارد در ارتباط با تعامل کاربر با سامانه می‌باشند. لازم به توضیح است که بررسی محیط رابط کاربر سامانه هدف این پژوهش نبوده است، اما براساس مسائل بیان شده می‌توان دریافت که در این رابطه نیز مشکلاتی وجود دارد. در نهایت بررسی و رفع مشکلات گوناگون که مورد اشاره قرار گرفت می‌تواند بر میزان رضایت کاربران، کاربرد داوطلبانه و همراه با خرسندی آن‌ها از سامانه تأثیر داشته باشد. در این زمینه پژوهش زاهدی نوقابی (۱۳۸۹)، (Doctor and Ramachandran 2008) نیز هم‌سو با نتایج حاصل است.

۵-۳-۴. چه راهکارهایی برای ارتقاء و بهبود عملکرد سامانه‌ی مدیریت اطلاعات پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز وجود دارد؟

آخرین سؤال پژوهش مربوط به ارائه‌ی راهکار برای ارتقاء و بهبود عملکرد سامانه‌ی مدیریت اطلاعات پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز است. برای پاسخ به این سؤال به بررسی پیشنهادهای اعضای هیأت‌علمی و کارشناسان این سامانه می‌پردازیم. در جدول ۳ منظور از گزینه‌های هماهنگ، متنوع و درصد هماهنگی به ترتیب عبارتست از

تعداد افرادی که گویهی مورد نظر را به عنوان مشکل استفاده از سامانه قبول داشتند، تعداد افرادی که در خصوص مشکلات استفاده از سامانه هیچ گونه نظری نداشتند و درصد افرادی که گویهی مورد نظر را به عنوان مشکل استفاده از سامانه قبول داشتند.

طبق یافته‌های جدول ۳، از مجموع ۱۴۱ نفر، تعداد ۷۶ نفر به این سؤال پاسخ دادند. در این میان بیشترین میزان هماهنگی مربوط به به‌روز رسانی و کارآمد کردن سامانه (۵۰٪) و افزایش سرعت سیستم، افزایش مقدار حجم در نظر گرفته شده برای فایل‌ها و توانایی ثبت انواع فرمت‌های دیجیتال (۴۳٪) بود. پیشنهادهای مطرح شده از سوی اعضای هیأت‌علمی حاصل کار با سامانه و دست و پنجه نرم کردن با مشکلات این سامانه می‌باشد لذا استفاده از این پیشنهادها و راهکارها می‌تواند در ارتقاء آن نقش تعیین کننده داشته باشد. دقت نظر و توجه مسئولین به موارد ذکر شده، زمینه‌ی پیشرفت و رشد دانشگاه و ایجاد حس رضایت در کاربران را به همراه دارد. کارشناسان سامانه‌ی مدیریت اطلاعات پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز وضعیت سامانه را تا حدود زیادی مطلوب اعلام کردند ولی با این وجود، برای بهینه کردن سامانه چند راهکار ارائه دادند که عبارتند از: نظرسنجی از کاربران به منظور شناخت نقائص، اختصاص بودجه‌ی بیشتر به سامانه‌ی مدیریت اطلاعات پژوهشی دانشگاه، برگزاری دوره‌ای کارگاه‌های آموزشی جهت آشنایی با سامانه و بهبود وضعیت آموزشی، از طریق به روز کردن اطلاعات کامپیوتری اعضای هیأت‌علمی. نظر سنجی از کاربران برای شناخت نیازها، استفاده از ایده و راهکارهای آن‌ها جهت دستیابی به موفقیت و پیشرفت از جنبه‌های گوناگون (سازمان، سامانه و کاربران) نیازی ضروری است و همواره باید مورد توجه مدیران و مسئولین قرار گیرد. شایان ذکر است که با انجام پژوهش حاضر در واقع بخش عمده‌ای از انتظارات و راهکارهای کارشناسان پژوهشی عملاً برآورده شده و نتایج حاضر می‌تواند به عنوان نتایج نظرسنجی و نیازسنجی از کاربران برای بهبود بخشیدن به سامانه‌ی مدیریت اطلاعات پژوهشی مورد استفاده‌ی آن‌ها قرار گیرد.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

استفاده‌کننده‌ی اصلی سامانه‌ی مدیریت اطلاعات پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز، اعضای هیأت‌علمی می‌باشند. آن‌ها برای استفاده از خدمات پژوهشی دانشگاه ناچار به استفاده از این سامانه و ثبت آثار خود در آن هستند. بنابراین به هر نحو ممکن، اطلاعات خود را در سامانه‌ی مدیریت اطلاعات پژوهشی دانشگاه ثبت می‌کنند. بر همین مبنا، توسعه‌ی سامانه به گونه‌ای که ثبت سریع و آسان آثار علمی را امکان‌پذیر نماید ضروریست. تا زمان انجام این پژوهش، مطالعه‌ای در مورد این سامانه انجام نشده است و این پژوهش نخستین نظرسنجی و ارزیابی مخزن دانش سازمانی دانشگاه به شمار می‌آید. نتایج نشان داد که استفاده از این سامانه برای بیشتر اعضای مشکل است و نبود آموزش از مهم‌ترین دلایل آن می‌باشد. بسیاری از اعضای آموزش چگونگی استفاده از سامانه را ندیده‌اند و از فرایند ثبت آثار در سامانه نا آگاه هستند. وجود مشکل بویژه در مرحله‌ی ثبت آثار، مشکلاتی را در کل فرایند ذخیره و بازیابی بوجود می‌آورد و در نهایت باعث می‌شود دست‌یابی به هدف‌های سامانه با دشواری همراه شود. بر پایه‌ی یافته‌های این نظرسنجی می‌توان بیان داشت که استفاده از سامانه تا حد زیادی در بین اعضای

هیأت علمی نهادینه شده است. گرچه نباید اثر الزام برای استفاده از خدمات پژوهشی بر این امر را نادیده گرفت ولی همراهی مناسبی از سوی اعضاء مشاهده می شود.

به هر حال، اجرایی شدن پیشنهادهای این پژوهش می تواند در رفع مشکلات آن تأثیرگذار باشد. همچنین دستیابی به هدف های مورد انتظار اعضاء هیأت علمی و نیز هدف های یک مخزن دانش سازمانی به ویژه در افزایش استفاده پذیری، دسترسی و پدیداری آثار و دانشگاه، موفقیت های بیشتر در استفاده از سامانه و گرایش بیشتر به آن در گروهی توجه به پیشنهادهای کاربردی چنین پژوهش هایی است. نهایتاً با بهبود هر چه بیشتر این سامانه می توان امیدوار بود که بخش مهمی از زیرساخت لازم برای پیاده سازی مدیریت دانش در دانشگاه شهید چمران اهواز فراهم شود.

۶. پیشنهادهای پژوهش

۱) با توجه به مشکلات اظهار شده ی اعضاء هیأت علمی در تعامل با سامانه ی مدیریت اطلاعات پژوهشی، به نظر می آید لازم است این سامانه بازطراحی و ارتقاء یافته و برای کاربر دوست کردن آن توسط مسئولان ذیربط در حوزه ی معاونت پژوهشی و فناوری و نیز مدیریت فناوری اطلاعات دانشگاه اقدام شود.

۲) برنامه ریزی برای برگزاری کارگاه های آموزشی مستمر به منظور اطلاع رسانی به شیوه های گوناگون در مورد سامانه ی مدیریت اطلاعات پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز و اجرای منظم این برنامه ها و آموزش های لازم توسط مسئولین ذیربط در حوزه ی معاونت پژوهشی و فناوری این دانشگاه؛

۳) لازم است تمهیداتی فراهم شود تا از متخصصین کتابداری و اطلاع رسانی که به امور مدیریت اطلاعات و نیز رتبه بندی سازمان ها آشنا هستند، در کمک به ثبت آثار و سازماندهی اطلاعات موجود در مخزن دانش سازمانی دانشگاه شهید چمران اهواز استفاده شود. برای این منظور لازم است شرح کار و وظایف لازم برای این کتابداران در دانشکده ی مربوطه تعریف شود؛

۴) فراهم کردن امکان دسترسی به آثار اعضاء در سامانه ی مدیریت اطلاعات پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز از طریق دروازه های اطلاعاتی مانند سایت کتابخانه ی مرکزی و

۵) نظرسنجی مداوم از اعضاء توسط واحد مربوطه در حوزه ی معاونت پژوهشی دانشگاه و استفاده از نظرات بدست آمده در گسترش و تحول سامانه.

۷. قدردانی

از استاد گران قدر جناب آقای پروفیسور فرج پهلوی و سرکار خانم گودرزی کارشناس سامانه ی مدیریت اطلاعات پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز که به اینجانب یاری رساندند، صمیمانه سپاس گزارم.

۸. فهرست منابع

- پریخ، مهری، و مهدی زاهدی نوقابی. ۱۳۹۱. بررسی نگرش اعضای هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد درباره‌ی بهره‌گیری از مخازن سازمانی آن دانشگاه. پژوهش‌نامه کتابداری و اطلاع‌رسانی. (۲)، ۳۲-۱۳.
- پریخ، مهری، و مهدی زاهدی نوقابی. ۱۳۹۴. چگونگی ارزیابی نرم‌افزارهای مخزن سازمانی: تجربه‌ای از یک مورد. پردازش و مدیریت اطلاعات. دوره ۳۰، شماره ۳، ۷۸۵-۸۲۲.
- جهاندیده، اکبر، و نوید روهنده. ۱۳۹۳. تاثیر عوامل سازمانی بر مدیریت دانش. تهران: نظری.
- زاهدی نوقابی، مهدی. ۱۳۸۹. بررسی مخزن سازمانی دانشگاه فردوسی مشهد و سنجش هم‌خوانی آن با معیارهای تخصصی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی. دانشگاه فردوسی مشهد.
- زنجیرچی، محمود، مژده ربانی. ۱۳۸۵. رویکردی به دانش آفرینی. تدبیر، شماره ۱۷۵، سال ۱۷.
- صمیمی، ف. ۱۳۸۹. بررسی عوامل مؤثر در ایجاد مخزن دانش الکترونیک در شرکت آب و فاضلاب شهر تهران. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، تهران).
- Abrizah, A. Noorhidawati, A. & Kira, K. 2010. Global visibility of Asian universities' Open Access institutional repositories. *Malaysian Journal of Library and Information Science*. 15(3), 53-73.
- Aguillo, I. F., Ortega, J. L., Fernández, M., & Utrilla, A. M. 2010. Indicators for a webometric ranking of open access repositories. *Scientometrics*, 82(3), 477-486.
- Bamigbola, Alice A. "Surveying Attitude and Use of Institutional Repositories (IRs) by Faculty in Agriculture Disciplines: A Case Study." *Procedia-Social and Behavioral Sciences* 147 (2014): 505-509.
- Ferreira, M., Rodrigues, E., Baptista, A. A., & Saraiva, R. 2008. Carrots and sticks: Some ideas on how to create a successful institutional repository. *D-lib magazine*, 14(1), 3.
- Foster, Nancy Fried, and Susan Gibbons. 2005. "Understanding Faculty to Improve Content Recruitment for Institutional Repositories." *Online Submission* 11.1.
- Grundmann, Amanda. 2009. Increasing Self-Archiving of Faculty Publications in Institutional Repositories. *Open and Libraries Class Journal*. 1(2). <http://smartech.gatech.edu/handle/1853/28419> (accessed August 19, 2010).
- Jantz, Ronald C., and Myoung C. Wilson. "Institutional repositories: Faculty deposits, marketing, and the reform of scholarly communication." *The journal of academic librarianship* 34.3 (2008): 186-195.
- Kyriaki-Manessi, D., Koulouris, A., Giannakopoulos, G., and Zervos, S. 2013. Exploratory research regarding faculty attitudes towards the institutional repository and self archiving. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 73, 777-784
- Markey, K., Rieh, S.Y., St Jean, B., Yakel, E. and Yao, X., 2009. Secrets of Success: Identifying Success Factors in Institutional Repositories. In 4th International Conference on Open Repositories.
- Mercer, H., Rosenblum, B., and Emmett, A. 2007. A multifaceted approach to promote a university repository: The University of Kansas' experience. *OCLC Systems & Services: International digital library perspectives*, 23(2), 190-203.
- Proudman, Vanessa. 2008. What Can We Learn from Europe in Our Quest for Populating Our Repositories? In Third International Conference on Open

Repositories. Southampton, United Kingdom. <http://pubs.or08.ecs.soton.ac.uk/14/> (accessed August 19, 2010).

Sutradhar, B. 2006. Design and Development of an Institutional Repository at the Indian Institute of Technology Kharagpur. Program: Electronic Library and Information Systems 40 (3): 244–55.

Westell, Mary. 2006. Institutional repositories: proposed indicators of success. Library hi tech, 24(2), 211-226.

A Comparison of the features of the Shahid Chamran University Research Information Management System as a research knowledge repository of the university with criteria of an optimum knowledge repository

Fatemeh.bonari

MS in Information and knowledge of science. Shahid Chamran University (Ahwaz) bonari69@gmail.com

Abdolhossein farajpahlou

PhD in Information and knowledge of science; Professor ; Shahid Chamran University (Ahwaz) farajpahlou@gmail.com

Abstract:

The aim of this study investigated the status of Shahid Chamran University's faculty of management knowledge repository as part of the university's repository of organizational knowledge, identify problems and provide solutions to improve the system it is.

As a practical research, it followed the survey method which was administered as a case study. To collect data about the views of experts and faculty members Shahid Chamran University to arrange interviews and questionnaires were used. Interview all relevant experts was performed and the questionnaire among sample society to that stratified- random sampling method selected, was distributed. The findings showed that faculty members are more or less positive attitude towards the existing system and the assignment of his work are and the existence of such a system is useful to know. Despite the problems, almost all members of the system they use but we must bear in mind that with increased members of the trading system they will increase voter turnout. So the need to inform the public about the system and the holding period and regular workshops with quality felt. Due to system problems and solutions provided by users to improve the promotion and advancement of management knowledge repository the university helps. To further improve this system can be hoped an important part of the infrastructure necessary for the implementation of knowledge management at the Shahid Chamran University provided.

Keywords: Knowledge, Knowledge management, Research knowledge repository, Research Information Management System shahid Chamran University.

